

## فقها در میان عقلا

مهدی منتظر قائم / دانشیار دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری / [montazer@ujss.ac.ir](mailto:montazer@ujss.ac.ir)

تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰۹/۲۶ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۴۰۰/۰۶/۲۳

(DOI): 10.22034/shistu.2022.521203.1962

### چکیده

فقها در میان عقلا هستند و باید این آمادگی را داشته باشند که سخنانشان توسط آنان ارزیابی گردد. فتواهای فقها را با این ارزیابی عقلایی می‌توان سه قسم کرد: فتواهای منطبق با رویکرد عقلایی عصر قدیم و جدید، فتواهای منطبق با رویکرد عقلایی قدیم، و فتواهای منطبق با رویکرد عقلایی جدید. با توجه به نمونه‌هایی از این فتواها و تفاوت آنها، به روش «توصیفی - تحلیلی» می‌توان گفت: فتواهای منطبق با رویکرد عقلایی زمانه با اطمینان بیشتر منطبق با مقصود شارع است؛ زیرا - دست‌کم - بعضی از منابع فتواهای غیرعادی، متناسب با مقتضیات عصر شارع و مقید به رواج عرفی است و با تغییر آن اقتضاها، فتواهای منطبق با رویکرد عقلایی عصر قدیم نیز تغییر می‌کند. علاوه بر این، توجه به نقش عقلا در فهم ظواهر الفاظ، چه بسا موجب شود بعضی از الفاظ شارع در معنایی که بعضی از فقها فهمیده‌اند و منطبق با همان رویکرد است ظهور نداشته باشد و مجمل شود، که تفسیرش را باید به اهل بیت علیهم‌السلام واگذار کرد.

کلیدواژه‌ها: فتواهای فقها، سیره‌های عقلا، فهم عقلا، سنجش عقلایی فتواها.

## مقدمه

فقها بسیار تلاش کرده‌اند تا با استفاده از روش‌های اصولی و ارزیابی‌های رجالی حکم واقعی الهی را از قرآن و سنت استنباط کنند و برای بیان احکام، حجت شرعی داشته باشند. با وجود این، هیچ فقیهی یقین ندارد در مسائل اختلافی به حکم واقعی دست یافته باشد. شاید حکمی که مرضی خداست در بین فتواهای موجود باشد یا در بین فتواهایی که در آینده استنباط خواهد شد. فقها با رویکردهای گوناگون به سیره‌های عقلایی زمانه خود و فهم عقلایی از کلام شارع به استنباط احکام از ادله‌ای پرداخته‌اند که بیش از دوازده قرن از صدور آنها می‌گذرد. از این رو، به فتواهای مختلف رسیده‌اند و به امید اینکه منطبق با منظور شارع حکیم استنباط کرده باشند فتواهایشان را برای مقلدانشان بیان کرده‌اند. اما اینان باید توجه داشته باشند که در میان عقلا نیز قرار دارند و ممکن است فتواهایشان در ترازوی عقلا قرار بگیرد.

اکنون سؤال‌های مطرح در این پژوهش این است:

یکم. چرا باید فتواهای فقها در هر عصری متناسب با رویکرد عقلایی همان عصر باشد؟

دوم. چه فتواهایی با رویکرد عقلایی همه اعصار و کدام‌یک با رویکرد عقلایی عصر قدیم و کدام‌یک با رویکرد عقلایی عصر جدید متناسب است؟  
فرضیه این پژوهش آن است که فقه این قابلیت را دارد که در هر عصری، با اجتهاد فقهای آگاه به همان عصر، تجدید حیات کند و در نتیجه، شریعت غیر عقلایی به شارع حکیم نسبت داده نشود.

## پیشینه پژوهش

فقها از آغاز تأسیس فقه، در مسائل مختلف به فهم و ارتکازات و سیره‌های عقلایی توجه داشته و بسیاری از قواعد و احکام فقهی را به آنها مستند کرده‌اند، ولی از دوره

مشروطه‌خواهی در ایران بعضی از فقها به این موضوع بیشتر توجه کرده و کوشیده‌اند بعضی از مسائل فقهی را به گونه‌ای بیان کنند که با رویکردهای عقلایی معاصر متناسب باشد. کتاب تنبیه الامه آخوند خراسانی و شاگردانش نمونه خوبی برای بیان تلاش این دو فقیه (نائینی و آخوند خراسانی) در رویکرد عقلایی معاصر به مسائل فقه سیاسی است. در چند دهه اخیر نیز بعضی از فقها به این موضوع پرداخته‌اند.

شهید مطهری کتاب زن و حقوق خانواده، حجاب در اسلام و اسلام و مقتضیات زمان را در شرایطی نوشت که بعضی از فتوهای فقها با رویکرد عقلایی نقادی شده بود و او کوشید سازگاری آنها را با این رویکردها توجیه کند.

امام خمینی رحمته الله علیه نیز نقش زمان و مکان در اجتهاد را یکی از مسائل بسیار مهم دنیای کنونی دانسته است. (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۲۱۷) رویکرد عقلانی عصر جدید نیز یکی از ویژگی‌های بارز زمان و مکان است. ایشان به پویایی فقه نیز اشاره کرده و «زمان» و «مکان» را دو عنصر تعیین کننده در اجتهاد برشمرده است. (همو، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۲۸۹)

تعداد کتاب‌ها در این باره، در چند سال اخیر بیشتر شده است. برای نمونه می‌توان به این کتب اشاره کرد: فقه و عرف، فقه و عقل و فقه و مصلحت از ابوالقاسم علیدوست؛ اخلاق دینی از ابوالقاسم فنایی؛ و اسلام و مقتضیات زمان از محمد سروش محلاتی.

### لزوم انطباق فتوهای فقها با فهم عقلای معاصر خود

در خصوص بعضی از فتوهای فقهای اعصار گذشته که اکنون غیر عقلایی به نظر می‌رسد، می‌توان گفت: دلیلی نداریم که در زمان خودشان نیز غیر عقلایی بوده است. فقهایی که امروزه نظر متفاوت داده و فتوهایشان از مقبولیت بیشتری در بین عقلا برخوردار است، با رویکرد عقلایی عصر جدید، از همان روش‌های اصولی استفاده کرده و کوشیده‌اند حکم خدا را از قرآن و سنت استنباط کنند. علاوه بر مبانی گوناگون اصولی و رجالی، تفاوت

رویکردهای فقها به بناهای عقلایی و فهم عرفی نیز در استنباط آراء متفاوت فقهی بی‌تأثیر نبوده است. به نظر بعضی از فقها، همیشه باید باب اجتهاد باز باشد... ولی مهم شناخت درست حکومت و جامعه است... و همینجاست که اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نیست، بلکه یک فرد اگر اعلم در علوم معهود حوزه‌ها هم باشد، ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد... و به‌طور کلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح باشد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست. (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۱۷۷) مهم این است که مجتهدان در هر عصری بینش درستی از جامعه معاصر خود داشته باشند و خود را در میان عقلای آن ببینند، نه اینکه چشمشان را بر روی جامعه و بناهای عقلایی آن ببندند و خود را بی‌نیاز از آنها بدانند و به اجتهاد و فقاہت پردازند.

#### الف. لزوم توجه فقها به بنای عقلای معاصر

یکم. بسیاری از مبانی احکام غیر عبادی مقید به رواج عرفی عصر شارع است. اکثر قریب به اتفاق احکام غیر عبادی برای تنظیم امور اجتماعی، اقتصادی، قضایی و سیاسی وضع شده و این امور همه‌جا و همیشه یکسان نیست و به اقتضائات زمانی و مکانی تغییر می‌کند. بنابراین بسیاری از احکام غیر عبادی که توسط پیامبر و امامان بیان شده متأثر از اقتضائات زمانی و مکانی زمان خودشان و مقید به رواج عرفی و فهم عقلایی آن زمان بوده است و با زوال یا تغییر آن اقتضائات و قیود، بسیاری از آن احکام نیز اجرا نمی‌شود یا تغییر می‌کند. برای مثال، دست‌کم چهار آیه اول سوره مجادله به تبع فرهنگ خانوادگی معاصر پیامبر نازل شده است که با از بین رفتن آن فرهنگ در عصر جدید، زمانه آن احکام نیز سپری شده و مجالی برای اجرا پیدا نمی‌کند. فرهنگ هر عصری موضوعاتی را پدید می‌آورد که با از بین رفتن یا تغییر آن فرهنگ عرفی و عقلایی، آن موضوع هم از بین می‌رود یا تغییر می‌کند. پس بعضی از احکام شرعی که در آیات یا روایات آمده مقید به فرهنگ رایج همان زمانه است. به نظر بعضی از فقها در ازمنه و امکانه گوناگون، موضوعات حلال و حرام تغییر و بعضی از احکام توسیع یا تضییق پیدا می‌کند. (همان)

بعضی از استادان در این باره «حیثیت تقییدیه رواج عرفی» در خصوص احکام امضایی تحمیلی را متذکر شده و آن‌ها را فراوان دانسته و گفته‌اند: اگر این احکام در بستر زمان، رواج عرفی خود را از دست بدهند و متروک گردند بی‌گمان حکم شرع تغییر خواهد یافت. (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۷) البته می‌توان گفت: حیثیت تقییدیه رواج عرفی اختصاص به احکام امضایی تحمیلی ندارد و هر حکمی که مقید به رواج عرفی باشد با تغییر عرف از بین می‌رود. به نظر برخی از قرآن‌شناسان بعضی از سنت‌های جاهلی که شارع آنها را تأیید کرده نسخ تدریجی شده‌اند. اسلام ابتدا درباره آنها با مردم همراهی و همنوایی کرده است تا بتواند آنان را به فطرت انسانی‌شان بازگرداند؛ زیرا ریشه کن کردن آنها نیازمند فرصت و چاره‌اندیشی‌های اساسی بوده است. (معرفت، ۱۴۲۳، ص ۱۵۰) برای نمونه می‌توان به نمونه‌های ذیل اشاره کرد:

۱. پیامبر و امامان بندگی اسرای جنگی را پذیرفتند؛ اما بعضی از فقها آن را ناشی از رواج عملی و انس نظری جامعه بشری معاصر شارع دانسته و امروزه آن را خارج از گردونه جامعه و از نظر اسلام غیر جایز می‌دانند. (منتظری، ۱۳۸۸، ص ۱۱۰-۱۱۱)
۲. بندگی ذمی قاتل مسلمان در دو روایت صحیح (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۱۰/طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۱۹۱) از حقوق اولیای دم شمرده شده، اما بعضی از فقها آن را امروزه بر خلاف بنای مسلم عقلائی می‌دانند و جایز نمی‌شمارند. (صانعی، ۱۴۲۷، ص ۹۱)
۳. معاصر شارع مردسالاری رایج و عقلائی بوده و بعضی از احکام شرعی نیز منطبق با این سنت عقلائی بیان شده است، در حالی که امروزه بسیاری از شئون مردسالاری رایج نیست و مذموم عقلاست؛ از جمله امر به زدن زنان (نساء: ۳۴) که امروزه بعضی از مفسران آن را مضمول نسخ تمهیدی دانسته‌اند. (معرفت، ۱۴۲۳، ص ۱۵۷)
۴. در زمان شارع ازدواج عقد معاوضی بوده، عقلا به آن به دید معاوضه نگاه می‌کرده و زوجه را در مقابل تعیین مهریه در اختیار زوج می‌دانسته‌اند، در حالی که امروزه ازدواج یک قرارداد زندگی مشترک بین زن و مرد است. (منتظر قائم، ۱۳۸۹ - الف، ص ۱۲۶-۱۲۸)

۵. دانش و فرهنگ مردم در مسائل جنایات و تعیین دیات نیز در روایات دیات بی‌تأثیر نبوده است و اکنون با توسعه آن دانش و تغییر آن فرهنگ، چه بسا در بسیاری از احکام مستنبط از آن روایات تردید جدی صورت گیرد. (همو، ۱۳۹۷، ص ۱۶۵-۱۹۶) دوم. لازمه جاودانگی شریعت توجه فقها به عقلاست.

عقلای معاصر در بسیاری از کشورها، نظرهایی را که در قلمرو زندگی اجتماعی و سیاسی آنان است ولی بیش از هزار سال است ثابت مانده، نپذیرفته و در جوامع خود بر طبق آنها قانون ننوشته‌اند؛ زیرا زندگی آنان بارها تغییر کرده است. به همین علت، از زمانی که عقلا به تقنین روی آورده‌اند، تاکنون بارها قوانین مدنی و جزایی (و حتی بسیاری از اصول اساسی) جوامع خود را تغییر داده‌اند.

اگر فقها شریعت را مختص زمان شارع نمی‌دانند و اعصار بعد از نزول آن را نیز (با همه تغییری که در سبک زندگی مردم پدید آمده است) مخاطب شارع می‌دانند، لازمه‌اش این است که به تغییر سبک زندگی عقلای معاصر توجه داشته باشند، نه اینکه از عرف عام امروزی بخواهند تجربه‌های هزارساله‌اش را زیر پا بگذارند و به فتواهای متناسب با ادوار گذشته تن‌دهند. عقلا نیازمند فهم نوین از شریعت‌اند: فهمی از شریعت که با توجه به تغییر سبک زندگی‌شان به هدایت آنان پردازد، نه اینکه راه‌هایی را به آنان نشان دهد که برای هدایت عقلای صدها سال پیش بیان شده بوده است. خاتمیت شریعت اسلام به این معنا نیست که مردم در همه اعصار باید به همان شریعتی که مخاطب اوّل‌اش مردم اعصار گذشته بودند پایبند بمانند، بلکه به این معناست که امت اسلامی به حدی از رشد علمی رسیده است که می‌تواند از آن شریعت فهمی متناسب با عصر خود ارائه دهد و شریعتی معرفی کند که در شأن جوامع نوین باشد.

عقلای هر زمان مخاطب فتواهای فقهای همان زمان هستند و مایلند برای تنظیم روابط اجتماعی خود به نیکوترین مقررات دست یابند. فقها نیز مایلند عقلا را به نیکو بودن فتواهای خود برای جوامع نوین و عدم مخالفت آنها با موازین عقلایی متقاعد کنند.

چون برای تنظیم روابط اجتماعی علاوه بر فتوهای فقها، بسیاری از مقررات دیگر نیز وضع شده که حاصل تفکر و تجربه عقلاست. فتوایی که مستند به ادله شرعی‌اند در صورتی می‌توانند در جوامع باقی بمانند که بتوانند برتری یا همسانی خود را با مقررات مشابه بشری نشان دهند. فتوایی که با سیره‌های عقلایی زمانه خود همراه‌تر و با اقتضائات زمانی و مکانی عصر خود متناسب‌ترند به شریعت معقول و جاودانگی و جهانی بودن آن نزدیک‌ترند. بی‌توجهی فقها به جامعه و عقلای معاصر خود و اکتفا به تکرار فتوهای غیر عبادی صدها سال قبل، لازمه‌اش این است که فقه در جوامع حقوقی عقلایی قابل عرضه نباشد، در کنار رقبای خود نتواند دوام بیاورد و به تدریج از میان مومنان به قرآن و سنت نیز کنار رود و جاودانگی شریعت را در جوامع اسلامی نیز دچار تردید کند، در حالی که اوضاع فرهنگی جامعه اسلامی باید به گونه‌ای باشد که دانشجویان و محققان از تمام جهان به سوی مراکز تربیتی و علمی و هنری آن هجوم آورند. (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۱۷۸)

برای لزوم توجه فقها به بناهای عقلایی معاصر به ادله دیگری نیز می‌توان استناد کرد؛ ادله‌ای که بناهای عقلایی را مستقلاً معتبر می‌شمارد و اثبات می‌کند که شریعت نیامده است که در برابر عقلا بایستد و با آنان مبارزه کند. (ر.ک. منتظر قائم، ۱۳۸۹ - الف، ۹۱-۱۳۷)<sup>۱</sup>

شریعت برای هدایت مردم است و هدایت با مخالفت و مبارزه صورت نمی‌گیرد، بلکه با مدارا، گفت‌وگو و اقناع حاصل می‌شود.

۱. در چکیده این مقاله برگرفته از رساله آمده است: اعتبار سیره‌های عقلا نیازمند امضا یا عدم ردع شارع نیست؛ زیرا: ۱. سیره‌های عقلا، مثل احکام شرع، مبتنی بر مصالح و مفاسد شکل می‌گیرند. ۲. سیره‌های عقلا غالباً مطابق با واقع‌اند و این غلبه ظن به مطابقت می‌آورد. این ظن قطع عرفی و معتبر است. ۳. شارع عاقل و در کنار عقلاست، نه در مقابل آنان. ۴. شارع در تقنین به شیوه قانون‌گذاران عمل کرده و مانند آنان سیره‌های عقلایی را تأیید کرده است. ۵. بیشتر احکام فقهی در ابواب معاملات احکام عقلایی است. ۶. لازمه جاودانگی و جهان‌شمولی شریعت نیز اعتبار سیره عقلا به عنوان یک دلیل مستقل است. بنابراین، دلیل نقلی را می‌توان با سیره عقلا تخصیص زد یا تعمیم داد و ابهام بعضی از روایات را می‌توان به وسیله آن برطرف کرد.

### ب. لزوم توجه فقها به فهم عقلا از الفاظ

فقها فتوای اجتهادی خود را از ادله لفظی استنباط می‌کنند و بیشتر استنباط‌های آنان مستند به اصل «ظهور» است. ظهور لفظی نیز یک امر عرفی است و فهم همان عرفی که مخاطب کلام است، معیار ظهور آن کلام در معناست. از سوی دیگر، لازمه خاتمیت اسلام و فراخوانی همه عاقلان در همه اعصار (به اسلام) این است که همه مخاطب شارع باشند. بنابراین خطاب شارع نه به مردم زمان خود اختصاص دارد و نه منحصر به مسلمانان و نه فقهاست. در نتیجه، فهم معنای ظاهری ادله شرعی در انحصار فقها نیست.

عقلای عالم در عصر جدید نیز مخاطب شارع‌اند، فهم آنان از شریعت فهم معیار در عصر جدید است و هیچ گروهی از مسلمانان نمی‌تواند فهم خود را از شریعت بر عقلا تحمیل کند و از آنان بخواهد مثل ایشان بفهمند یا به معنایی که نمی‌فهمند ایمان بیاورند. بلکه این فقها هستند که به فهم عقلا از ظواهر الفاظ شارع توجه می‌کنند و آن را در استنباط‌های فقهی خود به کار می‌گیرند؛ زیرا ممکن است عقلای معاصر - که اکنون مخاطب کلام شارع‌اند - با توجه به بناهای عقلایی به وجود قرائنی پی ببرند که موجب ظهور کلام شارع در معنای مجازی شود، یا معنای حقیقی آن را مغایر با مراد شارع بدانند و نتوانند آن را به شارع نسبت دهند و آن کلام را در معنای حقیقی‌اش ظاهر ندانند و مجمل بشمارند. در این صورت جای اجرای اصالة الحقیقه نیست. ظهور کلام در معنا یک امر ثابت نیست، بلکه وابسته به مخاطب است. مخاطب کلام است که کلام را ظاهر در یک معنا می‌داند یا ظاهر نمی‌داند.

فقها با همه تلاشی که در تجزیه و تحلیل مبانی اصولی و رجالی می‌کنند اگر از فهم معیار عقلای معاصر - که مخاطب شارع‌اند و می‌توانند منظور شارع را بفهمند - غافل باشند فقیه زمانه خود نیستند. اصرار فقها بر فهم خود از متون دینی و بی‌اعتنایی به فهم عرف و عقلا موجب جدا شدن این دو از هم و نفهمیدن زبان یکدیگر می‌شود، بخشی از فقه اجتماعی از صحنه اجتماع حذف می‌شود و جدایی فقه و جامعه رقم می‌خورد.



لازمه حکیم بودن شارع در همه اعصار این است که کلامش در معنایی که عقلای عصر جدید غیرعقلایی می‌دانند ظهور نداشته باشد و معنای غیرعقلایی به او نسبت داده نشود. البته منظور این نیست که شارع کلامش را در دو معنا به‌کاربرده است، منظور این است که ممکن است بخشی از کلام شارع در بعضی از زمان‌ها در معنایی ظهور داشته باشد و در زمانی دیگر در آن معنا ظهور نداشته باشد. وقتی عرف بگوید: من نمی‌توانم بپذیرم این لفظ در این معنا ظهور دارد و مراد شارع این است، فقها نیز نمی‌توانند طبق آن معنا فتوا بدهند.

البته تأکید بر لزوم توجه فقها به فهم عقلا از ظواهر الفاظ شارع مبتنی بر این پیش‌فرض است که عقلا کلام شارع را نماد، علامت و سمبل نمی‌دانند و پذیرفته‌اند کلام شارع بر معانی عرفی دلالت دارد. شارع در القای خطابات مثل یکی از اهل عرف است و زبان خاص و اصطلاح مخصوصی ندارد. پس فهم آیات و روایاتی که در خصوص احکام شرعی وارد شده و تشخیص عناوین و مفاهیم موضوعاتش و تشخیص مصادیق واقعی و خارجی‌اش به عرف عام - نه به عقل برهانی دقیق - محول شده است. (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ - الف، ج ۴، ص ۲۱۹)

مثال:

۱. بسیاری از مفسران و فقها کلمه «واضربوهن» (نساء: ۳۴) را به معنای حقیقی امر به زدن معنا کرده‌اند (فیض، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۴۹ / طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۳۴۵ / طوسی، ۱۳۸۷، ص ۳۳۷ / خوانساری، ۱۳۵۵، ج ۴، ص ۴۳۷) و اخیراً بعضی از علما آن را به معنای مجازی امر به قطع رابطه عاطفی با همسر و بی‌اعتنایی به او در محیط خانه معنا کرده‌اند. (موسوی لاری، ۱۳۹۱، ش ۹۲، ص ۵۱)

۲. بسیاری از فقها نجس بودن مشرکان (توبه: ۲۸) را لغتاً و عرفاً ظاهر در معنای نجاست ظاهری و مثل ناپاکی سگ و خوک می‌دانستند. (کاظمی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۰۱) ولی در دوران معاصر بعضی از مفسران آن را در معنای نجاست معنوی ظاهر می‌دانند (قطب،

۱۴۲۵، ج ۳، ص ۱۶۱۸) و آن را ظاهر در لزوم اجتناب از ملاقات با آنان با دست تر نمی‌داند (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۲۲۹) و حتی بعضی از آنان، این آیه را ظاهر در آلودگی درونی مشرکان هم نمی‌دانند. (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۳۴۹)

فقها روایات زیادی را که معنای حقیقی‌اش بر خلاف بناهای عقلایی، قواعد فقهی یا روایات دیگر بوده نپذیرفته و معنا و توضیح آنها را به اهل بیت علیهم‌السلام واگذار کرده‌اند. برای نمونه:

۱. دستور امام صادق علیه‌السلام به عوام برای تقلید از فقها در فروع دین «فللعوام ان یقلدوه» (عسکری، ۱۴۰۹، ص ۳۰۰) ذیل آیه ۷۸ سوره بقره (که در مذمت تقلید عوام اهل کتاب از علمایشان در اصول دین است) ذکر شده، در حالی که خروج موضوع (تقلید در اصول دین) از ذیل حدیث (که درباره تقلید در فروع دین است) مستهجن است و نمی‌توان آن را دلیل بر لزوم تقلید در فروع دین دانست. پس باید آن را به گونه‌ای دیگر توجیه کرد یا علم آن را به اهل بیت علیهم‌السلام وا گذاشت. (موسوی خمینی، ۱۴۱۸، ص ۹۶)

۲. روایت سلمه بن کهیل از امام علی علیه‌السلام را که ظهور دارد در اینکه مدعی علاوه بر بینه باید قسم بخورد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۴۱۲) باید بر دعوی بر میت حمل کرد یا آن را به اهل بیت علیهم‌السلام برگرداند. (ترحینی، ۱۴۲۷، ج ۴، ص ۱۳۰)

۳. روایت ابوولاد از امام صادق علیه‌السلام که اهل ذمه را مملوک امام علیه‌السلام می‌داند (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۴۱) و امثال آن را باید به اهل بیت علیهم‌السلام واگذار کرد. (مکارم، ۱۴۲۵، ص ۱۲۷)

۴. روایت از کتاب علی علیه‌السلام در این باره که همه زمین مال اهل بیت علیهم‌السلام است و هر کس از مسلمانان آن را احیا کند باید به آنان خراج بدهد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۰۷) و امثال آن را باید تأویل کرد یا علمش را به اهل بیت علیهم‌السلام واگذار کرد. (روحانی، ۱۴۱۲، ج ۱۳، ص ۱۸۲)

۵. قضاوت امام علی علیه‌السلام درباره مال مورد دعوی و تقسیم آن به نسبت تعداد شهود طرفین (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۳۷) را یا باید کنار گذاشت یا علمش را به اهل بیت علیهم‌السلام رد کرد. (خوئی، ۱۴۱۸، ج ۴۱، ص ۶۷)

۶. روایت امام باقر علیه السلام در خصوص ارث بردن زوجه از باغ، خانه، حیوانات و سلاح (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۱۲۷) ناچار باید علمش به اهل بیت علیهم السلام و اگذار شود. (هاشمی، ۱۴۲۸، ش ۴۷، ص ۲۵)
۷. مفهوم مخالف سخن امام علی علیه السلام درباره لزوم قطع دست کسی که گردنبندی از بیت المال به صورت غیر عاریه مضمونه بگیرد. (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۱۵۲) به ناچار باید علمش به اهل بیت علیهم السلام برگردد. (فاضل، ۱۴۲۲، ص ۵۰۹)
۸. روایت قطع ید محتال (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۲۷) لازم است به اهلس و اگذار شود. (موسوی، ۱۴۲۷، ج ۳، ص ۶۶۰ / تبریزی، ۱۴۲۷، ص ۴۰۶)
۹. روایات در این باره که هر کس از شریعت تخلف کند حد یا تعزیر دارد (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۱۴) باید علمش به اهل بیت علیهم السلام و اگذار شود. (موسوی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۳۴)
۱۰. روایت امام علی علیه السلام درباره قصاص پسر بچه‌ای که قدش پنج و جب شده و جنایت عمدی مرتکب شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۰۲) ناچار باید کنار گذاشته شود یا علمش به اهلس و اگذار شود. (تبریزی، ۱۴۲۶، ص ۱۵۷)
۱۱. قضاوت امام علی علیه السلام درباره گرفتن دیه کامل از سواره‌ای که با سواره دیگری برخورد کرده و او مرده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۶۸) هیچ راهی نیست جز اینکه علمش به اهلس و اگذار شود. (فاضل، ۱۴۱۸، ص ۷۵)
۱۲. روایت امام علی علیه السلام در خصوص تساوی دیه همه دندان‌ها (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۲۶۰) به ناچار باید علمش به اهلس و اگذار شود. (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۹، ص ۱۹۷)
۱۳. روایت نقصان ایمان زنان (رضی، ۱۴۱۴، ص ۱۰۶) اکنون با این شبهه مواجه است که زنان شش سال زودتر از مردان بالغ می‌شوند و نماز می‌خوانند و روزه می‌گیرند و قضای روزه‌های دوران عادت را بجا می‌آورند و در این دوران اگر وضو بگیرند و در مصلاهی خود بنشینند و ذکر بگویند ثواب نماز را می‌برند. (جوادی، ۱۳۷۸، ص ۳۷۹) بنابراین، نمی‌توان آن را بر معنای ظاهری اش حمل کرد و باید توضیح معنای آن را به اهل بیت علیهم السلام و اگذار.

## فتوهای فقها در ترازوی عقلا

اگر فتوهای فقها در ترازوی عقلا قرارگیرد و از حیث عقلایی ارزیابی شود سه قسم می‌شود:

### یک. فتوهای منطبق با فهم عقلای همه اعصار

بسیاری از فتوهای فقها به طور مطلق عقلایی است، با معیارهای قدیم و جدید عقلایی سازگار است و فقها بسیاری از آنها (دست کم ۹۰ فتوا)<sup>۱</sup> را به سیره عقلا و قواعد عقلایی (دست کم ۲۱ قاعده)<sup>۲</sup> مستند کرده‌اند. (منتظر قائم، ۱۳۸۹ - ب، ص ۱۴۰-۱۷۶)

### دو. فتوهای منطبق با فهم عقلای عصر قدیم

بعضی از فتوهای فقها - که در بین آنان شهرت نیز دارد - در عصر قدیم با بناهای عقلایی بیشتر منطبق بوده است، هرچند ممکن است در عصر جدید کمتر عقلایی به نظر برسد. این‌گونه فتواها در میان فتوهای فقهای معاصر نیز یافت می‌شود:

---

۱. برای مثال، حرمت غضب (حلی، تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۱۳۷)، وجوب دفع ضرر محتمل (بحرانی، الحدائق، ج ۲، ص ۲۳۴)، وجوب دفع ضرر از نفس (همان، ج ۴، ص ۲۸۲)، وجوب ترجیح اعلم برای تقلید (انصاری، القضاء والشهادات، ص ۵۷)، عدم جواز انجام عمل حرام یا مشکوک الحرمه به قصد امتثال (موسوی قزوینی، ینابیع الاحکام، ج ۱، ص ۵۴۲)، لزوم ارائه بیّنه توسط مدعی (آشتیانی، کتاب القضاء، ص ۳۸۴)، اشتراط قبض در صحت هبه و صدقه (همدانی، مصباح الفقیه، ج ۱۴، ص ۵۵۵)، صحت معاطات (آخوند خراسانی، حاشیة المکاسب، ص ۱۲)، صحت صلح در صورت جهل به مورد صلح (همان، ص ۱۸۸)، کشف حقیقی در معامله فضولی (نجفی خوانساری، منیة الطالب، ج ۱، ص ۲۳۹)، عدم صحت وکالت به امر مبهم (همان، ص ۲۷۸) ...

۲. برای مثال، قاعده «شروط» (موسوی خمینی، کتاب البیع، ج ۱، ص ۱۰۴)، قاعده «ید» (بحر العلوم، بلغة الفقیه، ج ۳، ص ۳۰۸)، قاعده «ضمان ید» (حکیم، المستمسک، ج ۱۲، ص ۳۹۱)، قاعده «استیمان» (نوری، رساله فی قاعدة ضمان الید، ص ۳۰)، قاعده «اقرار العقلاء علی انفسهم جائز» (طباطبائی یزدی، تکملة العروة، ج ۲، ص ۴۹)، قاعده «صحت» (حکیم، المستمسک، ج ۵، ص ۱۶۰)، قاعده «المیسور» (همدانی، مصباح الفقیه، ج ۳، ص ۹۰)، اصالت صحت و سلامت از سفاخت و حجر (بحر العلوم، بلغة الفقیه، ج ۱، ص ۱۰۷)، قاعده «سبق» (مؤمن و جوادی، کتاب الصلاة، ج ۲، ص ۴۲۸) ...

## یکم. حقوق کودک

۱. بلوغ دختران با تمام شدن نه سال قمری (سیستانی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۳۶ / موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۵۲۱ / منتظری، ۱۳۷۶، ص ۱۷)؛
۲. نجاست بچه نابالغی که پدر و مادر و جدش کافرند (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۸۶ «خمینی، اراکی، گلپایگانی، فاضل، بهجت و صافی»)؛
۳. کراهت راه دادن بچه به مسجد (همان، ص ۵۳۰ «خمینی»)؛
۴. جواز تزویج (دائم یا موقت) کودک و مجنون توسط پدر و جد پدری به شرط عدم مفسده (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۷۰۸ / بنی‌هاشمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۸۷ «بهجت» / منتظری: به شرط رعایت مصلحت، ۱۳۷۶، ص ۴۶۳)؛
۵. عدم اختیار فسخ بالغ نسبت به عقدی که در کودکی توسط ولی او بدون مفسده منعقد شده. (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۷۰۸ / بنی‌هاشمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۸۷ «بهجت» / منتظری: با رعایت مصلحت منعقد شده، ۱۳۷۶، ص ۴۶۳)

## دوم. حقوق زن

۱. عدم جواز تقلید از مجتهد زن (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۵-۱۷ «خمینی، اراکی، گلپایگانی، صافی، خوئی، سیستانی، تبریزی، فاضل، بهجت» / منتظری، ۱۳۷۶، ص ۱۹)؛
۲. لزوم اذن پدر یا جد پدری برای ازدواج دختر بالغ رشید، حتی اگر مصلحت خود را تشخیص می‌دهد (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۸۷ «خمینی»)، مگر اینکه دختر بخواهد با زوج کفو شرعی و عرفی خود ازدواج کند و بترسد اگر او را رد کند بعداً شوهر خوبی برایش پیدا نشود (موسوی خمینی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۱۵۸)؛ بنا بر احتیاط واجب (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۸۷ «خوئی، اراکی، فاضل، بهجت و صافی»)، حتی اگر خود متصدی امور زندگانی خود است بنا بر احتیاط واجب «سیستانی»؛

۳. عدم جواز خروج زوجه از منزل بدون اذن زوج، حتی برای عیادت پدرش یا شرکت در عزای او (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۷۴۵ / منتظری، ۱۳۷۶، ص ۴۶۷)، مگر در صورت ضرورت یا حرج یا اینکه مسکن مناسب او نباشد (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۰۶ «سیستانی»)، هر چند خروج او با حق شوهر منافات نداشته باشد. (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۰۶ «خویی و تبریزی»)
۴. جواز داشتن چهار زن دائم و هر تعداد زن موقت و جمع بین دائم و موقت (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۷۳۱):
  ۵. بطلان شرط عدم ازدواج مجدد زوج ضمن عقد نکاح (همان، ص ۷۴۵)؛
  ۶. تقدم حق شوهر بر زن در خصوص باروری و عدم باروری (منتظری، ۱۳۷۶، ص ۴۶۹):
۷. عدم جواز تلقیح با منی غیر زوج (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۹۸۹ / بنی‌هاشمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۷۶۴ «سیستانی» و ۷۸۷ «مکارم»):
۸. بنا بر روایت، عدم جواز صدقه، هبه و نذر زوجه بدون اذن زوج، مگر برای حج، زکات یا کمک به والدین و اقارب (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۷۴۵)؛
۹. سقوط حق نفقه به موجب عدم تمکین زوجه در عدم خروج از منزل و تسلیم لذت جنسی شوهر (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۰۷ «خمینی» / منتظری، ۱۳۷۶، ص ۴۶۷):
۱۰. حرمت ابدی نزدیکی با زوجه نابالغی که با او نزدیکی کرده است. (منتظری، ۱۳۷۶، ص ۴۷۵):
۱۱. حق حضانت مادر نسبت به پسر تا دو سالگی و نسبت به دختر تا هفت سالگی، به شرط اینکه مادر ازدواج نکند، وگرنه بعد از طلاق هم حق حضانتش برنمی‌گردد. (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۷۵۳):
۱۲. جواز عدم قبول بذل زوجه و عدم انشای طلاق خلع توسط زوج (همان، ص ۷۸۱):

۱۳. ارث بردن زوجه فقط از کالاهای منقول زوج و از قیمت زراعت، درخت و ساختمان؛ و ارث نبردن او از زمین و قیمت آن (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۸۱۷ / بنی‌هاشمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۰۷ «مکارم، گلیایگانی، خوئی، سیستانی و تبریزی»):
۱۴. ارث نبردن زوجه بیش از یک چهارم ترکه زوج، حتی اگر زوج هیچ وارث دیگری نداشته باشد (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۸۱۶):
۱۵. لزوم مرد بودن قاضی (منتظری، ۱۳۷۶، ص ۵۶۲):
۱۶. عدم جواز قصاص پدر یا جد پدری در برابر قتل عمد فرزند یا نوه و جواز قصاص مادر و جد مادری در برابر قتل عمد فرزند و نوه (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۹۱۱)، هر چند احتیاط خوب است (منتظری، ۱۳۷۶، ص ۵۸۶):
۱۷. لزوم پرداخت نصف دیه مرد قاتل توسط اولیای زن مقتول در صورت درخواست قصاص (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۹۱۰):
۱۸. نصف بودن دیه قتل زن نسبت به دیه قتل مرد. (منتظری، ۱۳۷۶، ص ۵۹۲)

### سوم. حقوق کافر

۱. تحقق کفر با انکار یکی از ضروریات دین (مثل نماز و روزه)، در صورت علم به ضروری بودن آن (بنی‌هاشمی، ج ۱، ص ۱۳۸۰، ۸۴-۸۵ «خوئی و مکارم»):
۲. نجاست کافر حربی، ذمی، مرتد، ناصبی، خارجی و غالی، اگر غلوشان مستلزم انکار توحید باشد. (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۹۷/ بنی‌هاشمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۸۴ «خوئی»):
۳. بطلان عاریه قرآن به کافر (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۴۶۲):
۴. بطلان وکالت کافر برای استیفای دین از مسلمان یا مخاصمه با مسلمان (همان، ص ۵۴۱):
۵. بطلان وصیت تملیکی قرآن به کافر (همان، ص ۵۸۳):
۶. حرمت نگهداری، نسخه برداری و خواندن کتب گمراه کننده (همان، ص ۳۸۸):

۷. وجوب از بین بردن کتب مخالف عقاید مسلمانان، به ویژه کتبی که شبهاتی دارد که نمی‌توانند برطرف کنند. (همان)؛
۸. ممنوعیت تبلیغ مذهب کافران توسط آنان در بلاد مسلمانان و ممنوعیت انتشار کتب ضاله‌شان (همان، ص ۹۰۱)؛
۹. بطلان ازدواج دائم یا موقت زن مسلمان با مرد کافر (حربی، کتابی یا مرتد)؛
۱۰. بطلان ازدواج مرد مسلمان با زن کافر حربی یا مرتد (همان، ص ۷۳۱)؛
۱۱. عدم جواز ازدواج موقت با زن مجوسی بنا بر احتیاط (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۹۸ «سیستانی»):
۱۲. بطلان ازدواج زن یا مرد شیعه با مرد یا زن ناصبی (که آشکارا با اهل بیت علیهم‌السلام دشمنی می‌کند) یا غالی که هر دو در حکم کفارند (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۷۳۲ / بنی‌هاشمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۹۷ «خوئی و تبریزی»):
۱۳. ارث نبردن کافر و مرتد از مسلمان (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۷۹۳ / منتظری، ۱۳۷۶، ص ۵۴۹)؛
۱۴. تقدم وارث مسلمان بر وارثان کافر (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۷۹۳ / منتظری، ۱۳۷۶، ص ۵۴۹)؛
۱۵. حکم به قتل مرد مرتد فطری (مسلمانی که یکی از محرّمات اجماعی بین مسلمانان را حلال بشمارد و انکارش به تکذیب پیامبر منتهی شود). (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۸۹۱-۸۹۲)؛
۱۶. حکم به قتل مسلمانی که بگوید: نمی‌دانم حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم راستگو بود، یا نه. (همان، ص ۸۷۸)
۱۷. عدم قصاص مسلمان به علت قتل کافر، مگر اینکه به قتل کفار عادت کرده باشد. (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۹۱۰)؛
۱۸. تحویل دادن کافر ذمی که مسلمانی را به قتل رسانده است به همراه اموالش به اولیای مقتول و تخیر آنان در قصاص یا به بردگی گرفتن او. (همان)؛



۱۹. جواز تشریح میت غیر مسلمان (همان، ص ۹۹۰)؛  
۲۰. هشت صدم بودن دیه ذمی نسبت به مسلمان (موسوی خمینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۹۹)؛  
۲۱. ترک ساختن معبد توسط ذمیان و وجوب خراب کردن معبدی که ذمیان احداث می‌کنند، توسط والی مسلمانان. (همو، ۱۳۷۹، ص ۸۹۷-۸۹۹)

#### چهارم. حقوق مالی و معنوی

۱. بطلان معامله ربوی (متجانسان)، هرچند عوضین در صفات و خواص با هم اختلاف داشته باشند؛ و یک جنس شمرده شدن گندم و جو در معامله ربوی (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۴۱۹/منتظری، ۱۳۷۶، ص ۳۵۶-۳۵۷)؛  
۲. بطلان معامله ربوی طلا و نقره به طور مطلق (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۴۲۲)؛  
۳. حرمت احتکار فقط گندم، جو، خرما، کشمش، روغن و روغن زیتون (همان، ص ۳۹۲)؛  
۴. عدم مشروعیت حق سرقتی به موجب اجاره کردن مغازه، و غاصب بودن مستاجر اگر بعد از اتمام اجاره بدون رضایت مالک در ملک بماند. (همان، ص ۹۸۲)؛  
۵. عدم ایجاد حق ماندن برای مستاجر، به علت اقامت طولانی در محلی و رواج پیشه و ارزش پیدا کردن محل و به دست آوردن موقعیت تجاری آن، و حرمت مبلغی که در قبال تخلیه دریافت می‌کند. (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۷۵۸ «سیستانی»)  
۶. ضمان طیب (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۴۵۶)؛  
۷. عدم توارث بین زنازاده و والدین طبیعی خود (همان، ص ۷۹۷)؛  
۸. عدم مشروعیت حق نشر و عدم جواز سلب تسلط مردم بر اموالشان (همان، ص ۹۹۲)؛<sup>۱</sup>

---

۱. اینکه کسی کتابی منتشر کند و در آن بنویسد حق طبع برای صاحبش محفوظ است قرارداد به حساب نمی‌آید و منع دیگران از چاپ و انتشار و تقلید از آن جایز نیست. (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۹۹۲)

۹. بی‌اثر بودن ثبت اختراع و منع دیگران از تقلید از آن اختراع و تکثیر آن. (همان، ص ۹۹۲)<sup>۱</sup>

### پنجم. موافق احتیاط

۱. وجوب تقلید از مجتهد زنده اعلم (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۵ «خمینی، فاضل»):

۲. نجس‌کنندگی متنجس، هر چند واسطه متعدد باشد (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۷۸۱ «بهجت»):

۳. نجاست فضله پرندگان حرام‌گوشت (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۷۶ «خمینی»):

۴. نجاست حیوان حرام‌گوشت غیر مذکاً (همان، ص ۷۷ «خمینی، خوبی، تبریزی، سیستانی، زنجانی»):

۵. نجاست چرمی که در بازار کفار از دست کفار گرفته می‌شود، مگر اینکه بدانیم از بلاد اسلام بوده است (همان، ص ۷۹ «گلپایگانی»):

۶. عدم جواز نماز در چرمی که از دست کافر گرفته شده است (همان، ص ۷۹ «خوبی»):

۷. پاک بودن الکل صنعتی در صورتی که انسان نداند از چیز مست‌کننده روان درست شده است (همان، ص ۸۸ «خمینی، گلپایگانی، صافی»):

۸. حرمت خوردن انگور و آب انگوری که به واسطه پختن جوش آمده است (همان، ص ۸۸ «خمینی، خوبی، فاضل، تبریزی، بهجت، زنجانی»):

۹. پاک شدن چیزی که با ادرار پسر شیرخوار غذاخور نشده نجس شود به وسیله یک مرتبه آب قلیل (همان، ص ۱۱۴ «خمینی، گلپایگانی، صافی»):

---

۱. منع دیگران از تقلید از آن و تجارت با آن جایز نیست و هیچ کس حق ندارد استیلای غیر بر اموالش را سلب کند. (همان)

۱۰. عدم مطهریت راه رفتن روی فرش، حصیر، سبزه، آسفالت و زمینی که با چوب فرش شده است (همان، ص ۱۲۳ «خمینی، بهجت»):
۱۱. عدم جواز ریش تراشی، خواه تمام یا قسمتی از آن باشد (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۷۷۹ «بهجت») بنا بر احتیاط (منتظری، ۱۳۸۳ - ج ۲، ص ۳۵۳):
۱۲. حرمت ذبح با ماشین‌های جدید و نجاست مذبوح، هرچند به طرف قبله باشد (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۹۹۲)، چه کلید برق را مسلمان بزند و نام خدا را ببرد و از حلقوم ببرد یا نه (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۵۸ «خمینی»):
۱۳. لزوم عمل به وصیت توسط وصی، حتی در صورتی که پیش از مردنِ موصی نفهمد که او را وصی کرده است. (همان، ص ۵۸۱ «خمینی»)

#### ششم. هنر

۱. اشکال داشتن مجسمه‌سازی و خرید و فروش آن (همان، ص ۲۱۳ «مکارم»):
۲. حرمت شعبده و تکسب با آن (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۳۸۹):
۳. حرمت غنا (صدای مطرب مناسب مجالس لهُو) و حرمت بیع آلات لهُو، حتی اگر در کلام حق به کار رود؛ و عدم بُعد استثنای غنای زنان مغنیه در مجلس عروسی زنانه (همان، ص ۳۸۸):
۴. بطلان خرید و فروش آلات لهُو، حتی سازهای کوچک (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۱۱ «خمینی، گلپایگانی»):
۵. لزوم ترک رقص زن در مجالس زنان و مرد در مجالس مردان بنا بر احتیاط (همان، ص ۷۷۹ «بهجت»):
۶. اشکال داشتن رقص زن برای غیر شوهر (همان، ص ۸۰۲ «مکارم»):
۷. حرمت بازی با آلات قمار (مثل نرد، پاسور و شطرنج) با برد و باخت؛ و احتیاط در ترک آن بدون برد و باخت (همان، ص ۷۸۰ «بهجت»):
۸. عدم جواز بازی با آلات قمار بدون قصد برد و باخت «خمینی»، اشکال داشتن پاسوربازی بدون برد و باخت (همان، ص ۸۰۲ «مکارم»):

۹. عدم جواز بازی با آلات قمار (مانند شطرنج، ورق و نرد)، حتی بدون شرط‌بندی بنا بر احتیاط. (منتظری، ۱۳۷۶، ص ۴۴۷)؛
۱۰. بطلان معامله چیزی که منافع معمولی آن فقط کار حرام باشد؛ مانند اسباب قمار. (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۰۴ «خوئی، گلپایگانی، صافی، تبریزی»)

### هفتم. دادرسی

۱. مشروعیت حکم قاضی به علم خود در حقوق الله و حقوق الناس (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۸۷۲)؛
۲. اثبات قتل با قسامه در لوث: در قتل عمد پنجاه قسم و در خطا و شبهه خطا بیست و پنج قسم؛ و جواز تکمیل تعداد حالف با تکرار قسم حالفان (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۹۱۷/منتظری، ۱۳۷۶، ص ۵۸۹)؛
۳. جواز قتل زوجه زانیه و زانی در صورت رؤیت زنا توسط زوج، چنانچه نترسد به او ضرری بزنند (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۷۸ «اراکی») در صورت علم زوج به رضایت زوجه به زنا (همان، «گلپایگانی»)
۴. وجوب قتل سابّ پیامبر و امامان توسط شنونده آن، بدون نیاز به اذن امام، به شرط اینکه خوف کشته شدن خودش یا دیگری یا آسیب رسیدن به عرض خودش یا دیگری نباشد. عدم مانعیت خوف آسیب رسیدن به مال خودش یا دیگری برای جواز قتل سابّ. (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۸۷۸)

### هشتم. نهی از منکر

۱. جواز حبس و در مضیقه و حرج قراردادن، زدن و دردمند کردن مرتکب منکر (با حفظ مراتب) با اذن فقیه (همان، ص ۳۷۴-۳۷۵)؛
۲. جواز مجروح کردن یا کشتن با اذن فقیه. (همان، ص ۳۷۶)

### نهم. مجازات

اجرای حد (حتی قتل) بر مستحق حد، حتی اگر دیوانه شود. (همان، ص ۸۸۰ و ۸۹۲)

### دهم. دیه قتل خطایی

وجوب پرداخت دیه قتل خطایی توسط عاقله (اقرای ابوینی یا ابی). (همان، ص ۹۷۱)

### ۲. فتوای منطبق با فهم عقلای معاصر

بعضی از فقهای معاصر در خصوص بعضی از فتوایی که با فهم عقلای عصر قدیم متناسب تر است نظراتی داده‌اند که با فهم عقلای معاصر بیشتر منطبق است:

### یکم. حقوق کودک

۱. بلوغ دختران با تمام شدن سیزده سال قمری (صانعی، ۱۳۹۶ - الف، ص ۳۸۴)؛

۲. با عادت ماهانه (جناتی، بی تا، ص ۵۳۷)؛

۳. پاک بودن بچه نابالغی که یکی از پدر و مادر و جدش مسلمان باشد (بنی‌هاشمی،

۱۳۸۰، ج ۱، ص ۸۶ «خمینی، اراکی، گلپایگانی، فاضل، بهجت و صافی»؛

۴. پاک بودن طفل ممیزی که اظهار اسلام می‌کند (همان، «زنجانی، خویی، تبریزی و

سیستانی»؛

۵. استحباب آوردن بچه‌ها به مسجد، اگر مزاحمتی ایجاد نکنند و موجب علاقه‌مندی

آنان به نماز و مسجد شود (همان، ص ۵۳۰ «مکارم»؛

۶. صحت عقد موقت کودک توسط ولی، به شرط اینکه مدت به قدری باشد که پسر

یا دختر بتواند به حد استمتاع برسد (منتظری، ۱۳۷۶، ص ۴۷۰)؛

۷. اشکال داشتن عقد دختر نابالغ برای محرمیت با مادر او (جناتی، بی تا، ص ۵۳۳)؛

۸. عدم صحت متعه صغیره برای محرم شدن بزرگسالان (صانعی، ۱۳۹۶ - ب، ج ۲،

ص ۳۲۸)؛

۹. قابلیت فسخ عقد نکاحی که از طرف ولی انجام گرفته (و رعایت مصلحت هم شده) با بلوغ و رشد موئی علیه (همان، ص ۳۱۹)؛
۱۰. قابلیت امضا یا رد این عقد (اگر این ازدواج برای کودک مفسده داشته یا مصلحت نداشته باشد) با بلوغ و رشد موئی علیه؛ زیرا عقد فضولی است. (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۸۷ «فاضل»)

## دوم. حقوق زن

۱. جواز مرجعیت زن (صانعی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۶)؛ امکان مرجعیت دینی زن (صانعی، ۱۳۹۶ - الف، ص ۵/ جناتی، بی‌تا، ص ۶۲)؛
۲. عدم اشتراط اذن پدر در ازدواج دختر بالغ رشید (که مصلحت خود را تشخیص می‌دهد) (جناتی، بی‌تا، ص ۵۳۲)؛
۳. جواز بیرون رفتن زن از منزل در صورتی که با حق شوهر منافات نداشته باشد (همان، ص ۵۳۷)، در جایی که مانع استمتاع یا خلاف شئون مرد یا خلاف آرامش او نباشد. عدم حق شوهر در بیرون رفتن از خانه و زندگی در همان موارد بدون اجازه و رضایت زن؛ تساوی زن و مرد در حقوق (صانعی، ۱۳۹۶ - ب، ج ۲، ص ۴۰۸)؛
۴. جواز تعدد زوجات مشروط به اینکه موجب صدمه و اذیت و ظلم و فشار روحی و جسمی و غیر آنها برای زن قبلی نشود و نسبت به زن قبل منکر، ناپسند و ظلم نباشد، بلکه باید معروف و پسندیده باشد (همان، ص ۳۱۸)، به شرط اینکه بتواند بین آنان به عدالت رفتار کند و توانایی اداره آنان را داشته باشد. (منتظری، ۱۳۷۶، ص ۴۶۰)
۵. عدم جواز ازدواج موقت مرد (هرچند با زن مسلمان) برای کسانی که همسرشان در اختیار آنهاست. (صانعی، ۱۳۹۶ - ب، ج ۲، ص ۳۲۸)؛
۶. صحت شرط عدم ازدواج مجدد، و عدم تحقق ازدواج مجدد در صورتی که عدم ازدواج مجدد ضمن عقد لازم شرط شده باشد (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۴۷) و بطلان آن (حکیم، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۹۶)؛

۷. جواز ممانعت زن از باروری، حتی بدون رضایت همسر (جناتی، بی‌تا، ص ۵۳۵)؛
۸. عدم جواز آکراه زن به ناباروری (همان)؛
۹. جواز آبستنی زن با اسپرم غیر همسر مشروط به عقیمی همسر و رضایت او (همان، ص ۵۳۷)؛
۱۰. جواز امتزاج اسپرم زوج با تخمک زن دیگری در خارج و تلقیح آن به زوجه یا زن مذکور یا زن ثالث (صانعی، ۱۳۹۶ - الف، ۴۳۳)؛
۱۱. توقف صحت نذر زن به اجازه شوهر در مواردی که مانع از حقوق واجب شوهر (مانند حق استمتاع به طور متعارف) باشد (صانعی، ۱۳۹۶ - ب، ج ۳، ص ۱۱۴)؛
۱۲. عدم سقوط حق نفقه به سبب نشوز زن (خوئی، ۱۳۸۳، ص ۴۷۳)؛ عدم بُعد تقابل حقوق زن و شوهر؛ بنابراین اگر یکی بدون عذر موجه حق دیگری را نداد او نیز می‌تواند از ادای حقوق دیگری امتناع کند. (منتظری، ۱۳۷۶، ص ۴۶۹)؛
۱۳. عدم استحقاق مرد نسبت به اجبار زن خود به خدمت در خانه (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۰۷ «خمینی»)، مگر آنکه در عقد نکاح شرط کند (همان، «تبریزی») و اگر او را مجبور کند زن می‌تواند حق الزحمه بگیرد. (همان، «مکارم»).
۱۴. عدم حرمت ابدی نزدیکی با زوجه نابالغی که با او نزدیکی کرده است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۴۱۷)؛
۱۵. حضانت فرزند پسر یا دختر تا هفت سالگی با مادر (صانعی، ۱۳۹۶ - ب، ج ۲، ص ۴۸۹)؛
۱۶. بازگشت حق حضانت مادر بعد از جداشدن از شوهر دوم (منتظری، ۱۳۷۶، ص ۴۸۸)؛
۱۷. عدم جواز منع هر یک از پدر و مادر در ایام سرپرستی، از ملاقات دیگری با بچه (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۴۷ «بهجت»)؛
۱۸. اختصاص حق سرپرستی به هریک از پدر و مادر، در صورت فوت یکی از آنان (همان، «بهجت»)؛

۱۹. وجوب اجرای طلاق خلع توسط زوج بعد از بذل مهریه و تقاضای طلاق توسط زوجه (صانعی، ۱۳۹۶ - ب، ج ۲، ص ۵۲۲)؛
۲۰. صحت وکالت زوجه ضمن عقد نکاح که اگر شوهرش ازدواج مجدد کرد خود را مطلقه کند (منتظری، ۱۳۸۳ - ب، ج ۲، ص ۳۸۷)؛ مثلاً اگر زوج تا شش ماه خرجی ندهد خود را طلاق دهد (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۷۲ «خمینی»); ضمن عقد نکاح یا هر عقد لازم دیگر، حتی به این صورت که هر وقت خواست از طرف شوهرش خود را طلاق دهد؛ و اگر شوهر بخواهد زن را از وکالت عزل کند وکالت زن باطل نمی‌شود. (همان، «تبریزی»)
۲۱. ارث بردن زنی که از شوهر متوفایش فرزند دارد از همه اموال او (همان، ص ۶۰۸ «صافی»); ارث بردن زوجه از همه اموال (منقول و غیر منقول) زوج (صانعی، ۱۳۹۶ - الف، ص ۴۹۳)؛
۲۲. به ارث رسیدن همه ترکه زوج به زوجه در صورت نبود وارث دیگر (همان، ص ۴۹۴)؛
۲۳. جواز قضاوت زن، هر چند قاضی مستنبط از ادله باشد (صانعی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۶ / جناتی، بی تا، ص ۵۳۲)؛
۲۴. جواز ولایت برای زن (صانعی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۶)؛
۲۵. امکان تصدی همه مقامات حکومتی، اجتماعی، سیاسی، علمی، فرهنگی، هنری، مدیریتی، ریاست‌ها و ... توسط زن (جناتی، بی تا، ص ۵۳۲)؛
۲۶. عدم جواز قصاص مادر (مثل پدر) در قتل فرزند (صانعی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۷۴ - ۱۷۵)؛
۲۷. جواز قصاص پدر و مادر در قتل فرزند به اغراض شخصی و دشمنی و طمع در مال و پست و ریاست یا فاش نشدن خیانت‌ها و امثال آنها (همان، ص ۱۷۷)؛
۲۸. برابری زن و مرد در حکم قصاص نفس و اعضا (همان، ص ۲۲۵)؛
۲۹. تساوی زن و مرد در دیه و ارش. (همان، ص ۲۶۴)



### سوم. حقوق کافر

۱. تحقق ارتداد با انکار ضروری دین از روی عناد، نه از روی جهل و اعتقاد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۶۰۱)؛<sup>۱</sup> عدم حکم به کفر کسی که به علت شبهه‌ای که برای او پیداشده گمان می‌کند - مثلاً - نماز یا حج در صدر اسلام واجب بوده و در زمان‌های بعد واجب نیست (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ ب، ج ۳، ص ۴۴۴)؛ عدم اثبات ارتداد به صرف گفتن کلمه‌ای از روی شک و تردید یا بدون قصد جدی انکار حق (منتظری، ۱۳۸۳ الف، ج ۲، ص ۵۲۶ - ۵۲۷)؛ عدم اثبات ارتداد و کفر کسی که ضروری دین را انکار کند اما انکار آن منجر به انکار اصل نبوت یا توحید نشود و نظر او این باشد که - مثلاً - فلان حکم دین، مناسب نیست و اگر نبود بهتر بود؛ زیرا حکمت خداوند را انکار کرده است، نه اصل وجود او را. (خوئی، ۱۴۱۶، «تعلیقه تبریزی»، ج ۲، ص ۴۱۱)؛
۲. پاک بودن اهل کتاب (منتظری، ۱۳۷۶، ص ۳۱ / بنی‌هاشمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۸۵ «فاضل، تبریزی و سیستانی») و مشرکان و ملحدان (جناتی، بی‌تا، ص ۷۶) و عموم کفار، حتی حربی که به علت اسلام و اعتقاد مسلمانان با آنان نمی‌جنگند. (صانعی، ۱۳۹۶ - الف، ص ۲۱)؛
۳. جواز دادن قرآن به دست کفار در صورت عدم اهانت (منتظری، ۱۳۷۶، ص ۴۶)؛
۴. صحت وکالت کافر و وکالت برای کافر (همان، ص ۴۰۴)؛
۵. حق بیان عقیده صحیح یا غلط برای همه، بدون توهین به عقاید و مقدسات دیگران یا تحریف و افترا؛
۶. عدم مجازات به صرف بازگشت از دین یا تغییر دین و اندیشه و ابراز آن، بدون عناد با حق، و عدم انطباق آن با عناوین کیفری، همچون: ارتداد، افساد، توهین، افترا و مانند آن (منتظری، ۱۳۸۳ - ب، ص ۵۰)؛
۷. جواز حفظ کتب ضلال (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۲، ص ۵۷)؛

۱. به نقل از: فاضل هندی در کشف اللثام، ج ۱۰، ص ۶۵۸.

۸. صحت ازدواج موقت با زنان کافر اهل کتاب (منتظری، ۱۳۷۶، ص ۴۵۱) و صحت ازدواج دایم با آنان (زرتشتی، یهودی و مسیحی) (جناتی، بی‌تا، ص ۵۳۸/نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۰، ص ۳۱)، هرچند همه این ازدواج‌ها مکروه است. (فیض، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۴۹)؛ بقای ازدواج شوهری که مسلمان شود، ولی همسرش اهل کتاب باقی بماند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۰، ص ۵۱ - ۵۰)، حتی اگر همسرش زرتشتی باشد. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۰، ص ۵۱)<sup>۱</sup>
۹. ارت بردن غیر مسلمان (غیر از کافر معاند دینی) همانند مسلمان (صانعی، ۱۳۹۶ - الف، ص ۴۹۵)؛
۱۰. عدم جواز حکم به ارتداد کسی که در حال تحقیق، خدا یا رسالت پیامبر را انکار می‌کند، تا چه رسد به جواز حکم به قتل و اعدام (صانعی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۳)؛
۱۱. عدم ارتداد کسی که در اثر القائنات تشکیک‌کنندگان یا به علل دیگر در بعضی از اصول یا فروع ضروری دین به شک می‌افتد (منتظری، ۱۳۸۳ - الف، ج ۲، ص ۵۲۷)؛
۱۲. احترام جان و مال غیر مسلمان همانند مسلمان (صانعی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۷۳)، و جواز قصاص مسلمانی که غیر مسلمانی را به عمد کشته است (همان)؛
۱۳. عدم جواز تشریح میت کافر ذمی بنا بر احتیاط، مگر اینکه در زمان حیاتش اجازه داده باشد و جواز تشریح بدن مرده کافری که در زمان حیاتش خودش محترم نبوده است (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۷۶۳ «سیستانی»)؛
۱۴. تساوی مسلمانان و غیر مسلمانان (حتی بهائینی که به آنان امنیت داده شده و حکومت‌های اسلامی با عمل یا با قراردادهای بین‌المللی برای آنان احترام قایلند) در دیه نفس و اعضا علی‌الظاهر (صانعی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۶۶-۲۶۷)؛
۱۵. عدم جواز تعرض به معابد یهودیان و مسیحیان ذمی و لزوم احترام به آنها مثل مساجد. (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵۳۰ «بهجت»)

۱. به نقل از: شیخ طوسی در الخلاف، ج ۴، ص ۳۲۵-۳۲۷، مسأله ۱۰۵.

### چهارم. حقوق مالی و معنوی

۱. در ربای معاوضی اگر کسی - مثلاً - یک من گندم و یک دستمال را به یک من و نیم گندم بفروشد اشکالی ندارد (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۱۶ «خوئی، اراکی، گلپایگانی، صافی، تبریزی، بهجت»); و اگر - مثلاً - یک من گندم اعلا و یک دستمال را به یک من و نیم گندم متوسط بفروشد اشکال ندارد (همان، «خمینی»); صحت خرید و فروش پول همجنس با اضافه به شرط عدم قصد فرار از ربای قرضی (منتظری، ۱۳۷۶، ص ۳۵۷); صحت ربای استنتاجی (تولیدی و اکتسابی) که وسیله‌ای برای رونق بازار و اقتصاد سالم است (صانعی، ۱۳۹۶ - الف، ص ۳۹۱); محل اشکال بودن حکم ربای قرضی در خصوص پول‌های کاغذی نظیر اسکناس‌ها که به لحاظ قدرت خرید با آنها معامله می‌شود و معمولاً در حال ترقی و تنزل فاحش هستند و لزوم مصالحه بنا بر احتیاط (منتظری، ۱۳۷۶، ص ۴۰۷);
۲. حرمت احتکار هر نوع کالا و خدمتی که مردم به آن نیاز شدید دارند و از نبود آن در مضیقه قرار می‌گیرند (همان، ص ۳۷۰); جواز نرخ‌گذاری از طرف حکومت صالح در صورت تبانی فروشنده‌ها در اجحاف (همان، ص ۳۷۱);
۳. حق اخذ سرقفلی برای اجاره دادن محل (صانعی، ۱۳۹۶ - الف، ص ۳۷۲); استحقاق مستأجر به گرفتن وجهی از مالک برای اینکه راضی شود مالک پس از مدت اجاره، ملک را به دیگری اجاره دهد (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۷۳۳ «گلپایگانی و صافی»); صحت سرقفلی با رضایت طرفین، که امروز در میان عقلای اهل عرف وجود دارد (همان، ص ۷۸۵ «مکارم»);
۴. عدم ضمان طیب حاذق مأذون (فیض، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۱۶);
۵. ارث نبردن زانی و زانیه از ولد زنا (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۱۴ «بهجت»);
۶. اعتبار حق طبع و حق اختراع (منتظری، ۱۳۷۶، ص ۵۱۷) و احترام حق التألیف و حق ممانعت دیگران از چاپ و تکثیر برنامه‌های خود برای همیشه. (صانعی، ۱۳۹۶ - ب، ج ۲، ص ۴۷)

### پنجم. موافق تسهیل

۱. عدم اشتراط اعلمیت در مرجع تقلید (جناتی، بی‌تا، ص ۶۲)؛
۲. نجس‌کنندگی متنجس با دو واسطه، نه بیشتر (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۹۶ «سیستانی»):
  ۳. پاک بودن فضله پرندگان حرام‌گوشت (همان، ص ۷۶ «اراکي، گلپایگانی، صافی، فاضل، خوئی، تبریزی، مکارم» / صانعی، ۱۳۹۶ - الف، ص ۱۸)؛
  ۴. عدم نجاست حیوان حرام گوشت غیر مذکاً (صانعی، ۱۳۹۶، ب، ج ۱، ص ۸۲) در صورتی که خودش نمرده باشد، هرچند به غیر دستور شرعی ذبح شده باشد (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۷۷ «مکارم»):
  ۵. عدم نجاست گوشت و پوست حیوان‌هایی که از ممالک غیر اسلامی می‌آورند (همان، «مکارم»): عدم نجاست چرم‌هایی که از بازار کفار یا بلاد آنان تهیه شده است (صانعی، ۱۳۹۶ - الف، ص ۱۹)؛ عدم نجاست پوست‌های حیوان که از کشورهای غیراسلامی وارد می‌شود، مگر در صورت یقین به عدم تذکیه (خوئی، بی‌تا، ص ۲۴)؛
  ۶. جواز نماز در چرمی که از دست کافر گرفته می‌شود (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۷۹ «سیستانی»):
۷. پاک بودن الکل صنعتی و طبی که انسان نمی‌داند از چیز مست‌کننده مایع گرفته شده است (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۷۹۵ «مکارم»): پاک بودن تمام اقسام الکل صنعتی (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۸۸ «خوئی، سیستانی») اگر انسان نداند که مست‌کننده است (همان، «زنجانی»):
۸. پاک و حلال بودن بودن خرما و مویز و کشمش و آب آنها اگر جوش بیابند (همان، ص ۸۹ «خمینی، گلپایگانی، صافی، مکارم و زنجانی»):
۹. پاک شدن چیزی که با ادرار پسر یا دختر شیرخوار غذاخورننده نجس شده به وسیله یک مرتبه آب قلیل (همان، ص ۱۱۴ «مکارم، سیستانی، زنجانی»):

۱۰. مطهر بودن راه رفتن روی فرش، سبزه، آسفالت و زمینی که به وسیله چوب یا موزائیک و مانند آنها فرش شده (صانعی، ۱۳۹۶ - الف، ص ۳۲)؛ مطهر بودن راه رفتن روی آسفالت (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۲۴ «زنجان، مکارم»؛ پاک شدن چرخ اتومبیل و درشکه و مانند آنها به وسیله زمین (صانعی، ۱۳۹۶ - الف، ص ۳۳)؛
۱۱. پاک شدن محل ادرار و مدفوع با ازاله نجاست به وسیله دستمال کاغذی (صانعی، ۱۳۹۵، ص ۱۸)؛
۱۲. مطهر بودن ازاله عین نجاست از اجسام جامدی که نجاست در آنها نفوذ نمی‌کند، مگر در مواردی که شارع طرق خاصی برای طهارت آن قرار داده است؛ مانند ظرف‌هایی که برای خوردن و آشامیدن استفاده می‌شوند یا ظروفی که سگ و خوک لیسیده باشند. (صانعی، ۱۳۹۶ - الف، ص ۳۷)؛
۱۳. پاک شدن فاضلاب با تصفیه با ابزار جدید به صورتی که از حالت قبلی خارج شده و به آب زلال تبدیل شده باشد. (صانعی، ۱۳۹۵، ص ۱۷-۱۸)؛
۱۴. جواز ریش‌تراشی (صانعی، ۱۳۹۶ - الف، ص ۵۱۳)؛
۱۵. جواز سربریدن حیوان‌ها با وسایل ماشینی در صورتی که شرایط شرعی ذبح انجام شود (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۷۸۹ «مکارم»)؛
۱۶. جواز رد وصی بعد از فوت موصی، به شرط اینکه در حیات موصی وصایت را قبول نکرده باشد. (فیض، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۹۵)<sup>۱</sup>
۱۷. جایگزینی نوشتن و امضا کردن اسناد در تمام معاملات به جای خواندن صیغه لفظی، بجز در ازدواج و طلاق. (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۷۹۱ «مکارم»)

### ششم. هنر

۱. جواز مجسمه‌سازی (جناتی، بی‌تا، ص ۵۴۷) برای اهداف عقلایی و اغراض مشروع (صانعی، ۱۳۹۶ - ب، ج ۲، ص ۳۲-۳۳)؛ صحت خرید و فروش مجسمه (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۹،

۱. به نقل از: علامه حلی در مختلف الشیعه، ج ۶، ص ۳۳۷.

ج ۲، ص ۲۱۳ «خمینی، خوئی و تبریزی» و کالایی که روی آن چهره انسان یا حیوان کنده‌کاری شده است. (منتظری، ۱۳۷۶، ص ۳۵۶/صانعی، ۱۳۹۶ - الف، ص ۳۴۴)؛

۲. جواز شعبده‌بازی برای سرگرمی (منتظری، ۱۳۷۶، ص ۴۴۴)؛

۳. جواز خواب مصنوعی (هیپنوتیزم) (همان، ص ۴۴۵)؛

۴. جواز سرود یا آهنگی که مشتمل بر باطل نبوده و از نظر عرف موجب تحریک شهوت و مناسب با مجالس فساد نباشد (همان) و جواز گوش دادن به موسیقی‌ای که مفسده‌انگیز بودن آن احراز نشود (منتظری، ۱۳۸۳ - الف، ج ۲، ص ۳۳۲)؛ جواز موسیقی و غنایی که محتوای باطل (ترویج بی‌عفتی، هوسرانی غیر متعهد، تخدیر افکار، منحرف کردن انسان، ترویج باطل و مخالفت با اسلام) ندارد (صانعی، ۱۳۹۶ - الف، ص ۵۱۱)؛ جواز موسیقی غنایی به شرط اینکه لهوی یا مقرون به کلمات باطل نباشد، انسان را از یاد خدا غافل نکند، از انسان بکلی سلب اختیار نکند یا با ارتکاب فعل حرام همراه نباشد؛ مانند جواز موسیقی کلاسیک که در انسان احساس خوشایندی پدید می‌آورد و در رفع خستگی و آرامش اعصاب مؤثر است (جناتی، بی‌تا، ص ۵۳۹)؛ جواز به‌کاربردن آلات لهوی برای جانداختن و پرداختن آوازهای نیکو و مقرون به شعرهای با مضمون عالی در بُعد دینی، مذهبی، عرفانی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی (همان، ص ۵۴۰)؛ جواز دایره‌زدن در عروسی‌ها به‌گونه‌ای که متداول است (همان، ص ۵۳۹)؛ جواز خرید و فروش آلات مشترک در صورتی که عنوان استفاده از آنها در جهت حلال باشد (همان، ص ۵۴۰)، در صورتی که به قصد استعمال در حرام نباشد (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۱۲ «سیستانی، مکارم»)؛ جواز خرید و فروش آلات لهو و طربی که به انگیزه پیدایش آرامش در اطفال می‌سازند. (جناتی، بی‌تا، ص ۵۴۰)؛

۵. جواز رقص زنان برای زنان و مردان برای مردان (همان، ص ۵۳۹) و رقص زن برای

همسرش و زنان (خوئی، بی‌تا، ص ۱۸۰-۱۸۱)؛

۶. جواز بازی بدون برد و باخت با آلاتی که فقط وسیله برد و باخت (آلات قمار) است یا غیر آلات قمار (صانعی، ۱۳۹۶ - ب، ج ۲، ص ۲۰-۲۱)؛ عدم اشکال بازی با آلاتی از قبیل نرد و پاسور و شطرنج که در آن برد و باخت نباشد، حتی اگر عنوان آلت قمار از آنها زایل نشده باشد. (جناتی، بی تا، ص ۵۴۷)

#### هفتم. دادرسی

۱. عدم جواز استناد قاضی به علم خود در حدود و تعزیرات (منتظری، ۱۳۷۶، ص ۵۷۲)؛ عدم اتکای قاضی به علم خود بنا بر احتیاط، به ویژه در حق الله محض (همان، ص ۵۶۵)؛

۲. اشکال در اثبات قتل با قسامه (همان، ص ۵۹۰)؛

۳. محل اشکال بودن جواز قتل زوجه زانیه و زانی در صورت رؤیت زنا توسط زوج، حتی اگر ترسد به او ضرری بزنند (بنی هاشمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۷۸ «خمینی، تبریزی»؛  
۴. مشروط بودن مجازات اعدام سبّ النبی به اثبات در دادگاه و عدم اثر منفی مهم اجرای حکم (منتظری، ۱۳۸۳ - الف، ج ۲، ص ۵۴۰)؛

۵. عدم اشتراط اجتهاد برای قضاوت (صانعی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۸)؛ وجوب مشورت قاضی با هیأتی از کارشناسان امور قضایی و احکام اسلامی؛ جواز قضاوت شورایی و صدور رأی طبق نظر اکثریت اعضا. (منتظری، ۱۳۷۶، ص ۵۶۴)

#### هشتم. نهی از منکر

نبودن ضرب بالید (حتی اگر موجب جرح نشود) جزء مراتب نهی از منکر (صانعی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۶۴۳)؛

#### نهم. مجازات

عدم اجرای حد بر مجنون (منتظری، ۱۳۸۳ الف، ج ۲، ص ۵۱۹)؛

### دهم. دیه قتل خطایی

عدم وجوب پرداخت دیه قتل خطایی (به‌طور مطلق) توسط عاقله. (صانعی، ۱۳۸۸، ص ۲۹۰)

### جمع‌بندی و نتیجه

اگر فقها با رویکرد عقلایی عصر قدیم منابع فقهی را بررسی و احکام را استنباط نمایند گاهی به فتوایی می‌رسند که عقلای معاصر آنان را تخطئه می‌کنند؛ و اگر با رویکرد عقلایی عصر جدید به بررسی و استنباط بپردازند غالباً به نتایجی می‌رسند که عقلای معاصر آنان را مذمت نمی‌کنند. چون عقلای همه اعصار مخاطب شارع‌اند و فقها در میان عقلا هستند، نه در برابر عقلا، و نمی‌توانند سیره‌های عقلا و فهم آنان از کلام شارع را نادیده بگیرند. می‌توان گفت: ادله نقلی شرعی در معنای متعارض با سیره‌های عقلای معاصر و فهم آنان ظهور ندارد و نمی‌توان شریعت را در برابر بناهای عقلایی مستحدث قرار داد.



## منابع

### قرآن کریم

۱. بنی‌هاشمی خمینی، سیدمحمدحسن (۱۳۸۰ش)، توضیح المسائل مراجع، جلد ۱، قم، اسلامی.
۲. تبریزی، جواد (۱۴۲۷ق)، أسس الحدود والتعزیرات، قم، دفتر مؤلف.
۳. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۶ق)، تنقیح مبانی الاحکام (کتاب القصاص)، قم، دارالصدیقه.
۴. ترحینی، محمدحسین (۱۴۲۷ق)، الزبده الفقہیہ، قم، دارالفقه.
۵. جناتی، ابراهیم (بی‌تا)، رساله، قم، مؤسسه فرهنگی اجتهاد.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸ش)، زن در آینه جلال و جمال، قم، اسراء.
۷. حرّ عاملی، محمد (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم، آل‌البيت.
۸. حکیم، سید محسن (۱۴۱۰ق)، منهاج الصالحین المحشّی، بیروت، دارالتعارف.
۹. خوانساری، سید احمد (۱۳۵۵ش)، جامع المدارک، تهران، مکتبه الصدوق.
۱۰. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۶ق)، صراط النجاه (المحشی)، قم، مکتب نشر المنتخب.
۱۱. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۸ق)، موسوعه الامام الخوئی، قم، مؤسسه احیاء آثار الخوئی.
۱۲. روحانی، سید صادق (۱۴۱۲ق)، فقه الصادق، قم، دارالکتاب.
۱۳. سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ق)، مهذب الاحکام، قم، دفتر مؤلف.
۱۴. سید رضی (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه، قم، هجرت.
۱۵. سیستانی، سید علی (۱۴۱۷ق)، منهاج الصالحین، قم، دفتر مؤلف.
۱۶. صانعی، یوسف (۱۳۸۸ش)، استفتائات قضایی، قم، پرتو خورشید.
۱۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵ش)، استفتائات - فتاوی مورد نیاز افراد مقیم خارج از کشور، قم، فقه الثقلین.
۱۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶ش - الف)، رساله، قم، فقه الثقلین.
۱۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶ش - ب)، مجمع المسائل، قم، فقه الثقلین.
۲۰. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۷ق)، مساواة الرجل والمرأة والمسلم وغيره في القصاص، میثم التمار.
۲۱. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم، اسلامی.
۲۲. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۹۰ق)، المیزان، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
۲۳. طوسی، محمد (۱۴۰۷ق)، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷ق)، المبسوط، تهران، مکتبه المرتضویه.
۲۵. عسکری، حسن بن علی (۱۴۰۹ق)، التفسیر المنسوب الی الامام العسکری، قم، مدرسه الامام المهدي.

۲۶. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۲ق)، **تفصیل الشریعه (الحدود)**، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار.
۲۷. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۸ق)، **تفصیل الشریعه (الذیات)**، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار.
۲۸. فیض، محمد محسن (بی‌تا)، **مفاتیح الشرائع**، قم، کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.
۲۹. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۵ق)، **تفسیر الصافی**، تهران، مکتبه الصدر.
۳۰. قطب، سید محمد (۱۴۲۵ق)، **فی ظلال القرآن**، بیروت، دارالشروق.
۳۱. کاظمی (فاضل جواد)، جواد (۱۳۶۵ش)، **مسائلک الأفهام الی آیات الاحکام**، تهران، مرتضوی.
۳۲. کلینی، محمد (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۳. محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ق)، **قواعد فقه**، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
۳۴. معرفت، محمدهادی (۱۴۲۳ق)، **شبهات و ردود حول القرآن الکریم**، قم، مؤسسه التمهید.
۳۵. مکارم، ناصر (۱۳۹۰ش)، **انوار الفقاهه (کتاب النکاح)**، قم، مدرسه الامام علی بن ابی‌طالب.
۳۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۱ش)، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۷. منتظر قائم، مهدی (۱۳۸۹ - الف)، «اعتبار ذاتی سیره عقلا»، **مجله انجمن معارف اسلامی**، ش ۳.
۳۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹ - ب)، **اعتبار سیره عقلا و کاربرد آن در فقه** (رساله دکتری)، تهران، دانشکده الهیات دانشگاه تهران.
۳۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۷)، «بازتاب دانش و فرهنگ عصر شارع در روایات دیات»، فصلنامه **دیدگاه‌های حقوق قضایی**، ش ۸۴.
۴۰. منتظری، حسین علی (۱۳۸۳ش - الف)، **رسالة استفتائات**، تهران، سایه.
۴۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳ش - ب)، **رساله حقوق**، قم، سراپی.
۴۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶ش)، **رساله**، قم، دفتر مؤلف.
۴۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸ش)، **حکومت دینی و حقوق انسان**، قم، گواهان.
۴۴. موسوی اردبیلی، عبدالکریم (۱۴۲۷ق)، **فقه الحدود والتعزیرات**، قم، دانشگاه مفید.
۴۵. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۴۱۸ق)، **الاجتهاد و التقليد**، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
۴۶. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۲ق)، **استفتاءات**، قم، انتشارات اسلامی.
۴۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۹ش)، **تحریر الوسیله**، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
۴۸. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۱ق - الف)، **کتاب البیع**، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
۴۹. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۱ق - ب)، **کتاب الطهاره**، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
۵۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹ش)، **صحیفه امام**، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
۵۱. موسوی لاری، سیدمجتبی (۱۳۹۱)، «نگرشی جدید بر معنای ضرب در قرآن»، **ماهنامه معارف**، ش ۹۲.
۵۲. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق)، **جواهر الکلام**، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۵۳. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۷ق)، «میراث الزوجه من العقار»، **مجله فقه اهل‌البيت**، ش ۴۷.